

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم. کمی که فکر کردم در جهت تبیین حقایق انقلاب اسلامی دیدم خوب است بعضی از جملاتی که شما در این سالهای اخیر به اشاره فرمودید و در قلب بنده نقش بسته است را (با زبان خودمان که جوانان امروز جامعه جهانی هستیم) بازگو کنم و در اول برای روشن شدن اینکه در چه شرایطی هستیم به دو حدیث که حضرت رسول فرمودند اشاره می‌کنم: از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود: «به این دلیل آن دوران خاص، دوران جاهلیت نامیده شده است که اهل آن نادان بودند و اعمال نادرست انجام می‌دادند.» همچنین پیامبر (ص) فرموده است: «من میان دو جاهلیت برانگیخته و مبعوث شده ام و جاهلیت دوم، بسیار سخت‌تر و مصیبت‌بارتر از جاهلیت اول است.» و در همین شرایط نوع حضور تاریخی و فرا تاریخی (که انقلاب اسلامی و امروز ماست یعنی آخرالزمان) حضرت را در آیه ۱۲۸ سوره توبه می‌آورم: اعوذ بالله من الشيطان الرجيم [لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ] (یقیناً فرستاده‌ای به اراده الهی بسوی شما آمد که از خود شماست و شما را بهتر از هر کس می‌شناسد و مسائل شما عیناً مسائل اوست و ازین رو رنج‌های شما رنج اوست و بسیار بر او سخت است مشکلات شما و اشتیاق شدیدی به یگانه‌تر شدن با شما دارد تا با هر نفر که قلباً حقیقت توحید (که حقیقی‌ترین خود شماست) را پذیرفته با محبت در جای خود حقیقی‌اش ننگ دارد و همواره رشد کند تا زنده بودن را زندگی کند). در جملات بالا فهمیدیم زمانه‌ای را سپری می‌کنیم که گمگشتی از خود حقیقی مان که همان توحید است با ظلمات بوجود آمده ازین رو مردم نمی‌دانند کسیتند تا نشان دهند چگونه اهل توحیدند و در شرایطی که خدا بسوی مردم می‌آید و مردم به خود می‌آیند خود را نشان خواهند داد، برای روشن شدن این موضوع به یوم الله‌ها نگاه می‌کنیم مثل شهادت حاج قاسم رضوان الله علیه که حضرت الله به ظهور در خلق آمدند و مردم گمگشته خود را یافتند هرچند در گیر ظلمات و جهل آخرالزمان هستند مثال‌هایی که شما فرمودید را که ببینیم روشن‌کننده‌تر است که در جایی فرمودید: «این جوانها گناه می‌کنند اما می‌بینیم که باز هم شادند!» و جایی دیگر فرمودید: «که طبق حدیث گناهی را بعضی مرتکب می‌شوند اما در قیامت از آن آنها نیست و به صاحبان اصلی‌اش خواهند داد!» و اضافه فرمودید: «ظاهر و رفتار نادرست مردم تصمیمات عقلی آنهاست (عقلی که در گرو اجتماع جاهل و ظلمات لیل و نهار و رفتار و کردار مردم عامه است) اما باطن آنها که حقیقت آنهاست پذیرنده توحید است تنها توحید حامل اراده‌های عظیم الهی تاریخ همان انقلاب اسلامی» حضرت آقا حفظه الله فرمودند جنگ امروز جنگ نرم افزایش یافته و فرمودند من شبانه روز در جنگم و شما در تفسیر این

فرموده گفتید یعنی جنگ باطنی (که البته‌گاهی در ظاهر هم به نمایش درآمد مثل تشیع پیکر شهیده عزیز شیرین ابوعاقله و بی حرمتی های اسراعیلی ها به پیکر مطهر شهیده که نشان دهنده ناکامی نظام کفر و استکبار جهانی در برابر حقایق و اراده های در حال تحقق توحیدی انقلاب اسلامی است) و اشاره فرمودید: دیگر نمی‌توان زندگی کرد و خود بود مگر با تاریخ حق یقینی که انقلاب اسلامی با آن همه وسعت جهانی اش که حزب الله لبنان و یمن و بحرین و قلبا هر آزاده ای که پی زندگی و بودن حقیقی است با هر دین و تفکری را شامل است در تمام وسعت مردم دنیا. ازین رو حضرت آقا حفظه الله فرمودند قطعا ما (هم اکنون) پیروزیم (چون داریم می‌بینیم) و امید دهید و تبیین کنید تا مردم ازین تنگنا ها و ظاهر به باطن توجه کنند؛ تا ما بدانیم با جوانانی که عقلشان دست استکبار جهانیست و آنها را به گمگشتی های تاریک از خود توحیدیشان کشانده و گاهی اشتباه می کنند تند روی نکنید که حضرت آقا در دیدار با اعمه جمعه فرمودند: «مثل پدری دلسوز با جوانان و مردم برخورد کنید آنها از شما ایند». تیر خلاص این جمع بندی را می‌توان به گفته ای که در جلسه ای داشتید اضافه کنم تا همه بدانند یقینا امید وار و پیروز (اراده خدای حاضر تاریخ همراه با حضور خود پیامبر و اهل بیت پیامبرشان که همان انقلاب اسلامیست) است: فرمودید حتی مسیح علینژاد هم با حجاب خواهد شد و طبق حدیث همه چیز یک شبه عوض خواهد شد همچون شهادت حاج قاسم سلمانی رضوان الله علیه که روز شهادت مردم گریان بودند و یکشنبه همه چیز عوض شد. هرچند گوش خشک مذهب های ظاهر بین بدهکار نیست اما جوانان و آزادگان که سلام بر آنها این جملات را آشنا و شنیده می داند تا نهراسند و غمگین و نا امید نباشند و بدانند کافر شدن از خدای عقلی و عینی برای مقصود حق یقینیست تا «خود» توحید را احساس کنند. پس با این شعر تمام می‌کنم: ندید او از بت الا خلق ظاهر / بدین علت شد اندر شرع کافر / ز اسلام مجازی گشت بیزار / که را کفر حقیقی شد پدیدار / درون هر بتی جانی است پنهان / به زیر کفر ایمانی است پنهان / همیشه کفر در تسبیح حق است / و «ان من شیء» گفت اینجا چه دق است / چه می‌گویم که دور افتادم از راه / «فذرهم بعد ما جائت قل الله» بدان خوبی رخ بت را که آراست / که گشتی بت پرست ار حق نمی‌خواست / هم او کرد و هم او گفت و هم او بود / نکو کرد و نکو گفت و نکو بود / یکی بین و یکی گوی و یکی دان / بدین ختم آمد اصل و فرع ایمان / نه من می‌گویم این بشنو ز قرآن / تفاوت نیست اندر خلق رحمان. ۳. پی نوشت ها: ۱. (تاریخ المعرفه) ۲. الامالی، ج ۲. ص ۲۷۷. ۳. شیخ محمود شبستری «گلشن راز» بخش ۵۹ -

جواب

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین طور است که می فرمایید. به لطف الهی حضور در آینده با درک زمانه و روشن کردن راهی که در پیش است، فراهم می‌شود و غفلت از حضوری که در پیش است، همان بی‌خردی و جهل و نشناختن زمانه است که در روایات از قول حضرت صادق «علیه‌السلام» داریم: «عَلَى

الْعَاقِلُ أَنْ يَكُونَ بَصِيرًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِلْسَانَةِ» لازم است بر عاقل که نسبت به زمانه خود بصیر باشد و با پیش آمدها مطابق شأن و بصیرتی که دارد برخورد کند و حافظ زبان خود باشد تا مطابق زمانه اش سخن بگوید.

آیا جز این است که اهل نظر باید به امکان های زمانه بیندیشند و در طلب چشم انداز آینده باشند؟ زیرا بدون آن چشم انداز، آینده معنا ندارد و گرفتار تکرار زمانه می شویم. موفق باشید